

سیاست مدارا در سفر حج

۱۷ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۵۲

پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه، آیت‌الله سید نورالدین حسینی شیرازی با خدم و حشم و تشریفات خاص عازم حج می‌شود. این اولین حج رسمی از ایران پس از قطع روابط با عربستان در دوره رضاشاه است. حجت‌الاسلام والمسلمین سید معزالدین حسینی شیرازی فرزند وی گزارشی از این حج تاریخی ارائه می‌کند که در ادامه می‌آید.

آیت‌الله شیرازی از همان روزهای اول، پس از رفتن رضاخان و پیدایش فضایی آزادتر بخصوص برای ایشان، همزمان با گسترش روابط اجتماعی برای سفر حج، از مذهبی‌های معتقد و متمول که استطاعت لازم را داشتند و با ایشان آشنا و غالباً صمیمی بوده‌اند ثبت‌نام می‌کنند.

سفر از نیمه آذر ۱۳۲۰ یعنی ۳ ماه و چند روز پس از رفتن رضاشاه آغاز شده و تا اوایل فروردین ۱۳۲۱ ادامه پیدا کرد، یعنی در کل حدود ۵ ماه طول کشید که قریب به ۴ ماه ایشان در عربستان حضور داشت. آوازه این سفر و موفقیت‌های ایشان در جامعه بسته و خشن و متعصب عربستان سعودی در شیراز اثر فوق‌العاده‌ای در اقبال مذهبی داشته و محبوبیت ایشان را افزایش می‌دهد. به احتمال قوی فراهم کردن مقدمات سفر هم به وسیله مرحوم بلادی صورت گرفته است.

مرحوم بلادی با آقا خیلی رابطه داشت. در تبعید اول، ایشان مهمان آیت‌الله بلادی بود. در آن زمان هنوز ایشان کادر مسلح داشته و بعد از این که داشتن تفنگچی دورانش تمام می‌شود، آقایی آن منطقه با نفوذ اجتماعی چشمگیر برای ایشان مهیا شده و برایش خیلی ساده است که تذکره فراهم کند. تذکره ایشان تذکره بوشهر است و از آنجا با جمعی از دوستان نزدیکشان به حج مشرف می‌شوند.

اینها ضرورتاً از اعضای قسم‌خورده حزب نیستند، ولی در آن جمع مطمئناً برخی از قسم‌خورده‌های مرحوم آقا نیز با ایشان بوده‌اند. سفر، سفر شگفت‌انگیزی می‌شود.

مرحوم آقا به هر کسی که می‌آید در این سفر ثبت‌نام می‌کند و آماده می‌شود می‌گویند پسته بیاورید، پسته را فراموش نکنید! می‌گویند این پسته‌ها را در جعبه‌ها و پاکت‌هایی جمع کردیم، بردیم تعجب هم می‌کردیم وقتی می‌روند آنجا بعد از ورود از مرز عربستان به اولین حکومت محلی که می‌رسند مرحوم آقا می‌گویند این پسته‌ها را برای ابن سعود به عنوان هدیه آورده‌ایم. همه را

جمع نموده و به شکل آبرومندی بسته‌بندی کردند مثلاً در سه یا چهار جعبه بزرگ، آن موقع پسته ایران در عربستان نزد خاندان سعودی خیلی مرغوبیت و مطلوبیت داشته و همه می‌دانستند این پسته‌ها را که هدیه ببرند برای خاندان سعودی، ابن سعود برمی‌گردد و یک هدایایی را متقابلاً بازپس می‌فرستد.

آیت‌الله شیرازی وقتی وارد مسجدالحرام می‌شوند بعد از انجام عمره پیش از شروع می‌روند جلو می‌ایستند جای امام جماعت اهل تسنن نماز شیعی می‌خوانند و کل مردم به ایشان اقتدا می‌کنند

من شنیدم که مقداری از این هدایا را هم مرحوم آقا مجدداً یک پولی را از کاروانشان جمع می‌کنند می‌گذارند روی آن، که من تا ۱۰۰ هزار تومان هم شنیده‌ام و آن مبلغ را به حاکم منطقه برمی‌گردانند می‌گویند صرف فقرا کند. همین سبب می‌شود که نظر او را هم برای همراهی و همکاری جلب کنند. مقداری هم گوسفند بوده مقداری هم شاید برنج بوده هر چه بوده یک چیز قابل توجهی بود. با این ابتکارهای ساده، اما تیزهوشانه با حکومت سعودی رابطه برقرار می‌کنند. این ارتباط نهایتاً به دیدار با «ابن سعود» منجر می‌شود.

والده ما مکرر این را نقل کرده که مرحوم آقا می‌گفتند من اگر شرایط مقتضی بود قدری بیشتر می‌ماندم. محتمل بود این ابن سعود شیعه شود و تمایل به تشیع در او پیدا شده بود! یعنی پیداست نفوذ بسیار عمیقی در «ابن سعود» می‌یابند. ایشان تسلط بر قرآن داشتند. حافظ بخشی از قرآن بودند.

تسلط بر ملل و نحل داشتند. اصلاً خاندان ما خاندان بحث‌های دینی و آشنایی با ملل و نحل بوده است. شاید گفته باشم در ۱۱ سالگی مرحوم آقا میرزا ابوطالب ایشان را وارد بحث با یک مبلغ بزرگ مسیحیت می‌کنند. این تبحر در مذاهب در خاندان ما بخصوص در این دو نسل پیاپی وجود داشته و پیداست که یک سلسله مبهمات و اشکالات ذهنی او را بخوبی برطرف کرده‌اند.

شاید امروز این گفته که احتمال داشت ابن سعود شیعه شود دور از ذهن بنماید لیکن چنانچه گفتم این جمله را از مادرم نقل می‌کنم و «آیت‌الله شیرازی» اهل زیاده‌گویی نبوده است. به هر صورت ایشان با ابن سعود رابطه مستقیم پیدا کردند.

در آن زمان در عربستان هم این یک چیز عادی نبوده است. حداقل قضیه این است که ایشان یک آزادی‌هایی پیدا می‌کند. روحانی‌ای که بتواند با «ابن سعود» رابطه‌ای که مشتهر و علنی بشود داشته باشد حریم و قدرت پیدا می‌کند، لذا «آیت‌الله شیرازی» با بهره‌مندی از این موقعیت وقتی وارد مسجدالحرام می‌شوند بعد از انجام عمره پیش از شروع می‌روند جلو می‌ایستند جای امام جماعت اهل تسنن نماز شیعی می‌خوانند و کل مردم به ایشان اقتدا می‌کنند با دست افتاده، بقیه نماز را همانند اهل تسنن می‌خوانند.

می‌دانید در نماز، با اهل تسنن تفاوت‌ها چندان زیاد نیست و می‌شود با دانستن فقه آنها نماز مورد قبول آنها را خواند. مثلاً

بسم الله را آنها جزو سوره نمی دانند یا به جهر نمی خوانند یا یک قطعه از قرآن به تعبیر خودشان به جای سوره می خوانند. خلاصه ایشان نمازی را که مشترک بین سنی و شیعه است برپا می کنند.

اقامه نماز شیعی در مسجدالحرام که خود این کار نمودار همان نفوذ بر ابن سعود است و ممکن است که با کسب اذن از او، صورت گرفته باشد چنان تاثیر شگفت انگیزی را در روحیه مردم شیعه به طور کلی و بخصوص در مردم شیعه فارس و شیرازی ها می گذارد اصلا مثل معجزه است.

این خودش یک حرکت موفق است و در ذهن و شعور مردم اثر می گذارد. علاقه مردم به ایشان زیاد می شود اعتماد به ایشان، اعتقاد به این که ایشان کارایی دارد و یک شخصیت روحانی بی نظیر است، عمومی می شود.

از سفر حج مرحوم آقا تا سالی که خود من به حج مشرف شدم، هنوز مردم خاطره می گفتند. من سال های اول پیروزی انقلاب مشرف شده بودم. از سفر حج مرحوم پدرمان، مرحوم حاج شیرعلی سلطانی شنیده های خود را می گفت آن هم با چه شور و احساسی، آن شهید عزیز شیفته پدر ما بود. اومی گفت: این کار را کرد! این اقدامات موثر را انجام داد! این موفقیت ها را به وجود آورد.

شهید حاج شیرعلی سلطانی، دست پرورده مرحوم حاج محمد طاهریان مسوول هیات امام حسن عسکری(ع) بود. در این هیأت پرورش مذهبی یافته بود سپس به سپاه پیوست و با شکلی جانسوز به شهادت رسید.

آن شهید بزرگوار سفرهای متعدد همراه با کاروان های حج برای خدمت به حجاج به مکه مشرف می شد و در همین سفرها خاطرات سفر حج مرحوم آیت الله شیرازی را از حجاج شنیده و آنها را پیگیری نموده و در این مورد اطلاعات دقیق و منحصر به فردی یافته بود.

لیکن آنچه شایان ذکر است این است که آیت الله شیرازی چطور از هر زمینه ای برای گسترش دامنه فعالیت خود به نفع اسلام استفاده می نمایند.

منبع: جام جم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/28044/سفر-مدارا-سیاست/28044>